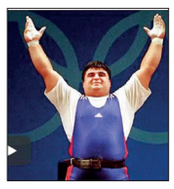
طلایی به سنگینی قویترین مرد جهان

تقریبا اکثر کارشناسان روی این موضوع اتفاق نظر داشتند که در المپیک ۲۰۰۰ سیدنی و در رقابت‌های دسته فوق سنگین وزنه برداری ، حسین رضازاده ۲۲ ساله هیچ شانسی برای کسب مدال ندارد، اما وقتی مسابقات این دسته به اتمام رسید، دنیا در شـــگفت بود که چطور جوان اردبیلی وزنه برداری ایران با شکستن رکوردهای جهان و المپیک، روی سکوی قهرمانی ایستاده و عنوان قویترین مرد جهان را برای خود کرده اســت. رضـــازاده در یکضرب ۲۱۲٫۵ و در دوضرب ۲۶۰ کیلوگرم وزنه زد تا به رکورد مجموعی دســـت پیدا کند که حتی در تمرینات هم نزده بود. این نخستین قهرمانی یک وزنه بردار فوق سنگین ایران در المپیک بود و دومین طلای کاروان ایران در المپیک سیدنی. رضازاده بعدها در مصاحبه هایش عنوان کرد رونی ولر آلمانـــی و آندری چمرکین روس که در المپیک سیدنی به مدال های نقره و برنز رسیدند، کسانی بودند که من سال‌ها در جوانی عکس شان را در اتاقم می زدم که روزی مثل آنها قدرتمند شوم.



به‌وقت المپیک

پرونده‌ای برای روز سیاه ورزش ایران در مهرماه ۱۳۸۵ و اعلام دوپینگ ۹ وزنه‌بردار

مرگ دسته جمعی، عروسی نشد!



رضا پورعالی
دبیر ورزش

مینی بوس فدراسیون جلوی کمپ وزنه برداری ایستاد. ملی پوشان یک به یک بلند شدند تا با حالتی خمیده از ماشین پیاده شوند. با آن بدن‌های درشت، فضای مینی بوس برای همه‌شان تنگ و ترش بود. تازه به هر کدام از ملی پوشان دو کیسه بزرگ هم آویزان بود؛ یکی برای کت و شلوارهای اعزامی به رقابت‌های جهانی دومینیکن و دیگری هم برای کفش‌های نو. در حال پیاده شدن از مینی بوس بودند که واحد ایمانزاده (راننده فدراسیون) با صدایی نگران داد زد؛ «بچه‌ها گوش کنید رادیو چی میگه؟» همه سر جای خود میخکوب شدند. همه در شوک. گوینده اخبار رادیو گفت: «بنابر اعلام مسوولان فدراسیون بین المللی وزنه برداری نمونه دوپینگ ۹ وزنه بردار ایرانی مثبت اعلام شد!» محمدحسین برخواه، شاهین نصیری نیا، سجاد بهروزی، سعید علی حسینی، رسول تقیان، امید نایيج، علی دهقانیان، رضا تیموری و محسن داوودی به دلیل دوپینگ محروم شدند؛ خبری که ابتدا از رادیو و بعد هم از بخش‌های مختلف خبری تلویزیون پخش شد و همه را شوکه کرد. روز سیاه ورزش ایران با دوپینگ ۹ وزنه بردار رقم خورد؛ روزی که رویای قهرمان شدن در وزنه برداری از سر خیلی از نوجوانان با استعداد ایران زمین پرید و آنها را به سمت رشته‌های دیگر برد.

اشک‌های ایوانف



فقط ۵ روز تا آغاز هفتاد و پنجمین دوره مسابقات جهانی وزنه‌برداری در سال ۲۰۰۶ باقی مانده بود که خبر محرومیت تیم ایران از حضور در رقابت‌های جهانی آمد؛ درست همان شبی که قرار بود ملی‌پوشان به فرودگاه بروند. ایوانف همان شب بچه‌ها را در یکی از اتاق‌های خوابگاه تیم‌ملی جمع کرد. امید نایيج، یکی از ۹ وزنه‌برداری که نمونه‌اش مثبت شد، درباره آن جلسه می‌گوید: «ایوانف همه را جمع کرد و گفت بچه‌ها مقصر این اتفاق من هستم. او خیلی با ما حرف زد. می‌گفت سر در نمی‌آورم که چرا چنین اتفاقی رخ داده است. او برای اولین بار بغض کرد و اشک ریخت. همه گریه می‌کردیم. ما ایوانف را به چشم یک پدر می‌دیدیم که همیشه سخت‌گیر بود و بانظم و دیسیپلین. اما آن شب ایوانف شکست.»

۴۰۰ هزار دلار

رقم کمی نیست. ۴۰۰ هزار دلار جریمه نقدی آن‌هم در سال ۱۳۸۵. این حکمی بود که از سوی هیات اجرایی فدراسیون جهانی وزنه‌برداری برای فدراسیون ایران صادر شد. محرومیت مادام‌العمر برای گئورگی ایوانف، سرمربی بلغارستانی تیم و محسن داوودی به همراه ۸ حکم محرومیت دو ساله برای سایر وزنه برداران و البته یک جریمه نقدی سنگین که از بیت‌المال رفت. البته فدراسیون جهانی در ابتدا گفته بود اگر ایران این پول را ندهد از بازی‌های آسیایی ۲۰۰۶ دوحه هم محروم خواهد شد اما بعدها با رایزنی‌های صورت گرفته این پول در چند قسط سالانه پرداخت شد و تسویه کامل آن به دوران ریاست حسین رضازاده، که خودش سال ۲۰۰۶ در اردوی تیم‌ملی حضور داشت، رسید.

کمیته ۳ نفره مجلس

ارگان‌های زیای درگیر پرونده دوپینگ وزنه‌برداری شدند؛ از نهاد ریاست جمهوری گرفته تا مجلس، سازمان وقت تربیت‌بدنی و کمیته‌ملی المپیک. در واقع از همان روز اول همه دنبال این بودند که بفهمند عامل اصلی دوپینگ چه کسی بود؟ در همان قدم اول کمیته‌ای سه نفره با حضور اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس تشکیل شد تا رفت‌وآمدها به ساختمان بهارستان آغاز شود. در کمتر از دو هفته بالغ بر ۱۰ نفر از مسوولان ورزش کشور و تعداد زیادی کارشناس از جمله مسوولان مرتبط با فدراسیون وزنه‌برداری فراخوانده شدند تا نقطه نظرات خود را بیان کنند.

دکتر جواد آرین‌منش، حجت‌الاسلام سیدمحمدرضا میرتاج‌الدینی و حجت‌الاسلام سید جلال یحیی‌زاده اعضای کمیته بررسی دوپینگ در وزنه برداری بودند. یحیی‌زاده در پایان یکی از همین نشست‌ها از بدبینی فدراسیون وزنه‌برداری نسبت به ایوانف حرف زد و گفت: در خصوص بحث دوپینگ، مرادی، رئیس فدراسیون وزنه‌برداری عنوان کرد که نسبت به ایوانف از قبل نیز شک و تردیدهایی وجود داشته و گزارشی نیز از سوی فدراسیون به مسوولان بالا داده شده بود؛ ولی مورد توجه قرار نگرفته بود!

خود مرادی هم در مصاحبه‌هایش این را گفت که اصلا راضی به بازگشت دوباره ایوانف نبوده و این کار با نظر کمیته ملی المپیک صورت گرفت. اما سوای قصور ایوانف، در همان جلسات نخست رسیدگی، یک ادعای دیگر هم مطرح شد؛ این‌که شاید جدا از مراقبت‌ها و بحث مبارزه با دوپینگ، این اتفاق براساس یک برنامه‌ریزی و اطلاعاتی که از داخل به وادا داده‌اند رخ داده است؛ موضوعی که با گذشت ۱۴ سال هنوز هم کسی نمی‌تواند با قطعیت درباره‌اش حرف بزند.

مکمل‌ها آلوده نبود

همان ابتدا که خبر دوپینگ دسته‌جمعی در وزنه برداری رسانه‌ای شد، ایوانف مسوولیت دوپینگ اعضای تیم را پذیرفت و به آلوده بودن مکمل‌های غذایی اشاره کرد. اما واقعیت این بود که مکمل‌ها اصلا آلوده نبود. یکی از اعضای تیم‌ملی که اسمش در میان نفرات دوپینگی هم بود، در این‌باره به جام‌جم گفت: ایوانف بدن‌های ما را تا دو هفته قبل از اعزام بدون دارو نگه داشته بود اما با این رویکرد که سطح رکوردها در دومینیکن پایین است و علاوه بر رضازاده چند نفر دیگر هم می‌توانند روی سکو بروند، از داروی ورجین استفاده کرد تا رکوردهایمان در آستانه مسابقه کمی بالاتر برود. داروی ورجین ۵ روز در بدن می‌ماند. اتفاقا ایوانف اصرار داشت در آن مقطع، اردوی تیم‌ملی به یکی از شهرستان‌ها منتقل شود تا اگر ماموران وادا آمدند، مشکلی پیش نیاید. ایوانف قبل از آن برای برپایی اردوی تیم‌ملی در کلمبیا برنامه‌ریزی کرده بود که با کارشکنی‌های بسیاری مواجه شد و در نهایت ویزای کلمبیا صادر نشد. همین اتفاقات ایوانف را کمی برآشفته کرده بود.

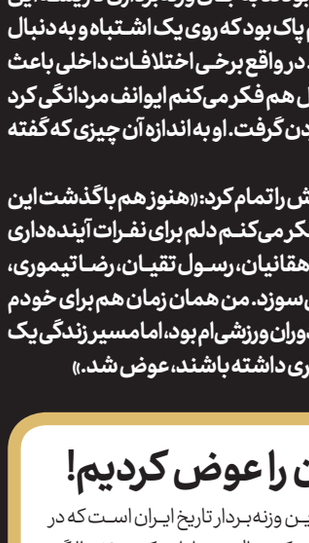
اتفاقا سعید آذری، قهرمان اسبق وزنه‌برداری ایران که آن زمان مدیرعامل باشگاه ذوب‌آهن بود، به همین نکته اشاره کرد: «مقصر واقعی کسانی هستند که اردوی تیم‌ملی وزنه‌برداری را در کلمبیا لغو کردند. اطمینان دارم اگر در آن اردو از وزنه‌برداران آزمایش دوپینگ گرفته می‌شد، آزمایش تمامی آنها منفی می‌شد؛ چراکه ایوانف کارش را بلد بود و بی‌تردید طبق برنامه‌ریزی، می‌توانست تا اردوی کلمبیا ورزشکاران را به شرایط مناسب برساند.»

بهروزی: خانه‌مان را عوض کردیم!

سجاد بهروزی هنوز هم جوان‌ترین وزنه‌بردار تاریخ ایران است که در مسابقات جهانی وزنه زده است. او یک سال پس از این‌که در ۱۶ سالگی دوبنده تیم‌ملی را پوشید و به مسابقات جهانی ۲۰۰۵ رفت، دوپینگش مثبت شد تا دو سال از بهترین سال‌های ورزشی‌اش از دست برود. خودش درباره آن روزها می‌گوید: روزهای سختی بود. دو سال از جوانی‌ام، با حسرت وزنه برداری را دنبال کردم. آن اوایل همه من را مسخره می‌کردند و می‌گفتند دوپینگی. برای همین مجبور شدیم خانه‌مان را عوض کنیم. هدف من المپیک بود. از سوی فدراسیون هم قول‌هایی به ما می‌دادند که محرومیت ما کم می‌شود و به المپیک می‌رویم. برای همین آمادگی خوبی برای المپیک داشتم. به رکوردهای ۱۴۰ کیلوگرم در یک ضرب و ۱۷۰ کیلوگرم در دوضرب رسیدم که همین رکوردها در المپیک مدال گرفت. اینها برای من حسرت داشت.

شاهین نصیری‌نیا: به خنده می‌گفتم؛ من خودم دارم می‌روم، چرا دارید هلم می‌دید؟

برخی با داس ریشه وزنه‌برداری زدند



از شاهین نصیری‌نیا که این روزها در آمریکا مشغول مربیگری وزنه‌برداری است، خواستیم ۱۴ سال ما را با خود به عقب ببرد تا در حال و هوای همان روزهایی قرار بگیریم که آزمایش دوپینگ ۹ وزنه بردار مثبت شد. شاهین که خودش هم یکی از اردونشینان بود ابتدا آهی کشید و بعد با خنده‌ای تلخ، سخن را چنین آغاز کرد:

«آن روزها این جمله افتاده بود سر زبانم که «من خودم دارم می‌روم، چرا دارید هلم می‌دید؟» واقعیت این است که من بعد از سال ۲۰۰۴ دیگر تصمیم نداشتم به تیم ملی برگردم و گفتم فقط دو - سه فصل در لیگ وزنه می‌زنم. در یکی از همان مسابقات لیگ وقتی وزنه ۲۱۰ کیلو را زدم، اتفاقا ایوانف هم در سالن بود و بلافاصله پس از مسابقه به من گفت که شاهین، آماده باش برای حضور در اردوی تیم‌ملی! گفتم مستر ایوانف از ما دیگر گذشته، اما او معتقد بود من هنوز هم یکی از بهترین وزنه برداران دسته ۹۴ کیلوگرم هستم و اگر خوب تمرین کنم می‌توانم در المپیک ۲۰۰۸ وزنه بزنم. همین‌طور هم شد و من دوباره به اردوی تیم‌ملی برگشتم که آن اتفاق تلخ افتاد.»

از شاهین درباره چرایی ماجرا پرسیدیم و این‌که چه اتفاقی باعث شد تیم ایوانف با ۹ دوپینگی مواجه شود؟ شاهین مثل همیشه با صداقت جواب داد: «فکر می‌کنم عده‌ای که دنبال برکناری علی مرادی بودند، با داس افتاده بودند به جان وزنه برداری تا ریشه این ورزش را بزنند. آن تیم یک تیم پاک بود که روی یک اشتباه و به دنبال یکسری مسائل از بین رفت. در واقع برخی اختلافات داخلی باعث شد ما له شویم. به همین دلیل هم فکر می‌کنم ایوانف مردانگی کرد که مسوولیت آن اتفاق را به گردن گرفت. او به اندازه آن چیزی که گفته شد مقصر نبود.»

شاهین با این جمله حرف‌هایش را تمام کرد: «هنوز هم با گذشت این همه سال وقتی به آن روزها فکر می‌کنم دلم برای نفرات آینده‌داری مثل محسن داوودی، علی دهقانیان، رسول تقیان، رضا تیموری، امید نایيج و سجاد بهروزی می‌سوزد. من همان زمان هم برای خودم ناراحت نشدم چون سال آخر دوران ورزشی‌ام بود، اما مسیر زندگی یک عده، بی‌آن‌که خودشان تقصیری داشته باشند، عوض شد.»



مرادی برکنار شد

چهل روز پس از مثبت شدن نمونه دوپینگ ۹ وزنه‌بردار ایرانی اتفاقی که همه انتظارش را می‌کشیدند رخ داد و سرانجام بهرام افشارزاده، با حکم محمد علی‌آبادی، رئیس وقت سازمان تربیت‌بدنی به عنوان سرپرست ریاست فدراسیون وزنه‌برداری منصوب و جایگزین علی مرادی شد. در حکمی که روز ۱۱ آبان ۸۵ امضا شد، یک بند مهم هم قید شده بود که حتما در دستور کار رئیس جدید قرار بگیرد؛ «سالم‌سازی محیط و مبارزه جدی با پدیده شوم دوپینگ و قرار دادن شعار ورزش پاک در سرلوحه امور.»

سفری که لغو نشد!

فردای روزی که دوپینگ ۹ وزنه‌بردار مثبت اعلام شد، علی مرادی رئیس وقت فدراسیون وزنه‌برداری همراه با یـــوردان گئورگی ایـــوانف راهی دومینیکن شدند تا با حضور در محل برگزاری نشست هیات رئیسه فدراسیون جهانی، مشکل به‌وجود آمده را حل کنند. در روزهای بعد ۸ نفر دیگر هم به جمع مسافران دومینیکن اضافه شدند تا تیمی که فقط حسین رضازاده را در ترکیب خود داشت با کاروانی ۱۱ نفره در سانتادومینگو حاضر باشد. این سفرها با انتقادهای بسیاری از سوی نمایندگان مجلس مواجه و کار به صحن علنی هم کشیده شد. به دنبال این جنجال‌ها، کیومرث هاشمی، رئیس مرکز توسعه ورزش قهرمانی طی نامه‌ای به فدراسیون وزنه‌برداری از مرادی خواست تا هر چه زودتر همراهان تیم به کشور بازگردند. نامه‌ای که البته بی‌اثر بود و این کاروان بلند بالا، طبق برنامه زمان‌بندی شده قبلی، پس از پایان رقابت‌های فوق سنگین، سانتادومینگو را به مقصد تهران ترک کرد. هنوز هم خیلی‌ها نمی‌فهمند چرا بعد از آن فاجعه، ۱۰ همراه، یک وزنه‌بردار را برای سفر به دومینیکن همراهی کردند!

رضازاده: مردم بدانند قهرمان‌شان سالم است!

خبر دوپینگ ۹ وزنه‌بردار ایرانی مثل بمب اتم، صدا کرد و خیلی زود به گوش همه رسید. پشت بند این خبر یک مصاحبه از حسین رضازاده هم آمد با این تیتر؛ «مردم بدانند قهرمان‌شان سالم است!» او در آن مصاحبه گفت: «من از خودم مطمئن هستم و حتی زمانی که آزمایش می‌دادم مطمئن بودم داروی غیرمجاز مصرف نکرده‌ام.»

با این حال و با گذشت ۱۴ سال، معمای حسین رضازاده، هنوز هم یکی از چند معمای بی‌پاسخ آن روز سیاه است. آن زمان برخی نفرات همان تیم گفتند حقایقی را می‌گوییم که ورزش ایران را تکان بدهد. حتی یکی از روزنامه‌ها از قول مهدی عطاراشرفی، سرپرست وقت اردوی تیم‌ملی تیتر زد؛ «نمونه دوپینگ حسین رضازاده عوض شده است» که البته خود عطار اشرفی همان زمان با تکذیب این شایعات، آن را یک شیطنت رسانه‌ای خواند و گفت: من هیچ‌گاه نگفته‌ام نمونه دوپینگ رضازاده عوض شده است!

مرگ به انبوه...

از امید نایيج پرسیدیم اگر آن روز به نحوی از اردو خارج می‌شدید یا آزمایش دوپینگ نمی‌دادید چه اتفاقی می‌افتاد. آیا اصلا امکانش بود؟ که پاسخ داد: «اگر خودمان را دور از چشم ماموران وادا نگه می‌داشتیم این امکان وجود داشت که از اردو اخراج شویم. آن زمان شاهین نصیری‌نیا یک زانتیا داشت و من حتی به شاهین گفتم بیا با چند نفر از بچه‌ها از اردو خارج شویم. اما چون نمی‌دانستیم چه اتفاقی قرار است در ساعات آینده بیفتد، همه‌اش به این فکر می‌کردیم که اگر از اردو برویم و فدراسیون به نحوی مساله حضور ماموران وادا را حل کند، آن وقت این ماییم که به دلیل ترک اردو اخراج می‌شویم. ایوانف با توجه به این‌که می‌خواست شرایط بدنی ملی‌پوشان را با ساعت دومینیکن تنظیم کند، تمرین صبحگاهی را تعطیل کرده و برای ما یک جلسه تمرین در ساعت ۱۲ شب تا بامداد گذاشته بود. برنامه این بود که نیمه‌شب بخوابیم. صبح برای صبحانه بیدار شویم و دوباره استراحت کنیم تا برای تمرین بعدازظهر و شب آماده شویم. آن روز صبح همه رفتیم سالن غذاخوری، صبحانه خوردیم و برگشتیم به اتاق‌هایمان. من می‌خواستم بخوابم که صدای ماموران وادا را از پنجره شنیدم. آنها سعید علی حسینی را در رستوران دیده بودند و داشتند با او صحبت می‌کردند. بعد هم برخواه رفت تا ببینند داستان از چه قرار است. کم‌کم همه متوجه حضور ماموران وادا شدند. ایوانف یک به یک می‌آمد و در اتاق‌ها را می‌زد. من که در را باز کردم گفت بیا برای آزمایش. گفتم؛ «مستر ایوانف من می‌توانم آزمایشم را عوض کنم. اجازه می‌دهی؟» که ایوانف در جواب گفت؛ «اگر می‌توانی این کار را بکن.» این را که شنیدم ترس تمام وجودم را گرفت و متوجه شدم قضیه جدی است. همانجا به پدرم زنگ زدم تا برایم کاری بکند. گفتم ماجرا این است و ماموران وادا سر زده آمده‌اند اردوی تیم‌ملی. پدرم پرسید؛ «فقط از تو می‌خواهند آزمایش بگیرند؟» گفتم «نه! از همه» جمله پدر خدابیامرزم را تا همیشه به خاطر دارم. او به من گفت: «پسر جان مرگ دسته جمعی عروسیه! اگر از همه قرار است آزمایش بگیرند، تو هم برو و آزمایشت را بده.»

بله! می‌گویند فخرالدین اسعدگرگانی اولین کسی بود که ضرب‌المثل «مرگ به انبوه، جشن است» را وارد ادبیات ما کرد، اما اینجا و در کمپ تیم‌های ملی وزنه‌برداری «مرگ انبوه»، جشن نبود. یک عزای عمومی بود.

مزایده ۹۹۰۳۲
کردستان

معاونت آماد و پشتیبانی ناجا در نظر دارد، **تعداد ۳۷ دستگاه خودرو، تعداد ۲۳ دستگاه موتورسیکلت و مقادیری اقلام فرسوده فرماندهی انتظامی استان کردستان** را به شرح ذیل از طریق مزایده عمومی به‌فروش برساند. متقاضیان می‌توانند به منظور دریافت برگ شرایط شرکت در مزایده از تاریخ درج آگهی تا مورخ **۱۳۹۹/۰۷/۱۲** از ساعت **۸** الی **۱۶** به‌نشانی: سنندج، خیابان پاسداران، سه‌راه شالمان، ستاد فرماندهی استان مراجعه فرمایند.

تلفن: ۰۸۷-۲۱۸۲۱۳۸۲

ردیف	شرح	تعداد به دستگاه
۱	انواع سواری‌شامل: سمند، پژو ۴۰۵، پراید، ماکسیما و مگان	۱۸
۲	انواع وانت شامل: هایلوکس تک و دوکابین، کاپرا، پیکاپ تک و دوکابین	۱۸
۳	بنز ۸۰۸	۱
۴	انواع موتورسیکلت شامل: دینو ۱۲۵، روان ۱۲۵، تکتاز ۱۵۰ و ۲۰۰ و اچ‌دی ۲۰۰	۲۳ (اوراقی)
۵	اقلام فرسوده آمادی	موجودی